

آموزش و ترویج

واکاوی تطبیقی مکاتب فلسفی با رویکردی بر مکتب ترویج



● احمد رضا عمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر و دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی

● سیدجمال فرج اله حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

(تبیین مبانی فلسفی مکاتب از دیدگاه توسعه منابع انسانی)

چکیده

واکاوی تطبیقی مکاتب مختلف فلسفی نمایانگر تنوع روشهای به کار برده شده در هر یک، جهت توسعه و تعالی بشر می باشد. مکاتب مختلف فلسفی به طور عمده بشر را به عنوان هدف اصلی فرآیند توسعه مدنظر داشته اند و عناصر دانستن، آگاهی و شناخت حقایق را نمودی برای تعالی وی در نظر گرفته اند. در مجاورت مکاتب فلسفی، مکتب ترویج نیز که آنرا به واسطه اصل قرار دادن شناخت انسان و انسان سازی می توان به عنوان مکتب شناختی مطرح نمود، در پی تعالی بشر از طریق محور قرار دادن دانایی است. مکتب ترویج برای گام نهادن در مسیر دانایی محوری می بایست خصوصیات و ارکان مطلوب مکاتب فلسفی را که می تواند به عنوان یک چشم انداز مناسب جهت فعالیت های آتی باشد در نظر گیرد و آنها را سرلوحه فعالیت های خویش قرار دهد. در نظر گرفتن انسان به عنوان عامل توسعه، تأکید بر توانمندسازی افراد و جامعه، توجه مؤکد به نیازها و منابع محلی، تأکید بر تداوم بر پایه عقلگرایی و خردورزی فعالیتها و برنامه ها، شناخت استعدادها و ویژگیها، هدفمند بودن برنامه ها، توجه به امور مشارکت در فرآیند برنامه ها، استفاده مطلوب از فرصتها، تأکید بر استقلال و توجه به حقایق از جمله عناصر حیاتی هستند که نمایانگر وجه مشترک مکاتب فلسفی و مکتب ترویج می باشد. تدوین ارکان نظام مطلوب ترویج کشاورزی بر پایه عناصر مشترک حاصل از واکاوی تطبیقی مکاتب فلسفی راه جهت توسعه همه جانبه منابع انسانی فراهم خواهد کرد.

کلمات کلیدی

فلسفه، مکاتب فلسفی، واکاوی تطبیقی، توسعه انسانی، مکتب ترویج



ترویج کشاورزی نقش بسیار حیاتی و حساس در فرآیند توسعه کشاورزی و پایداری فعالیتهای روستایی دارد. در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگیهایی در این مکتب مبتنی بر توسعه منابع انسانی و تفکری نظام‌مند و جامع‌نگر، به عنوان یکی از اساسی‌ترین چالشهای عصر حاضر می‌باشد.

واقعیهایی نامطلوب اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان و انتقاداتی که بر مفهوم رایج توسعه وارد کرده‌اند، باعث شده تا برداشتهای متفاوت و تعاریف مجددی از توسعه به عمل آید و در اهداف و چگونگی تحقق آن جهت‌گیری و تفکرات جدیدی به وجود آید. به طوریکه توسعه صرفاً در چارچوب درآمد سرانه تولید ناخالص ملی محدود نشود و افق وسیعتر و گسترده‌تری از آن در نظر گرفته شود تا جنبه‌های انسانی آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد به طوریکه نه تنها توسعه همه افراد جامعه را دربرگیرد و همگان از مواهب و مزایای آن بهره‌مند شوند بلکه شامل تمام جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان شود و تعالی و تکامل انسان کانون توسعه قرار گیرد.

با بررسی مکاتب مختلف فلسفی و استخراج عناصر حیاتی که در جهت تبیین راهبردهای اصلی توسعه منابع انسانی می‌باشد و بهره‌مندی از آنها در فرآیند فعالیتهای ترویجی جهت تدوین ارکان یک نظام مطلوب ترویج در فعالیتهای کنونی کشاورزی می‌توان گامهای مؤثری در چارچوب یک رویکرد نظام‌مند و جامع‌نگر برای مکتب ترویج در شرایط کنونی برداشت. از آن جهت که در عرصه جهانی ترویج به عنوان یک پارادایم نوین نقش مفید و مؤثری در جهت توسعه همه جانبه بشر داشته است، با اولویت بخشی به مناطق روستایی، در نظر گرفتن دانش بومی، بهره‌مندی مشارکت همه جانبه بهره‌مندی از فرآیند توسعه، بهره‌گیری از راهبردهای مناسب و تدوین ارکان مطلوب نظام ترویج می‌توان اقدامات مؤثری در این باره انجام داد. این مقاله نیز با بررسی تطبیقی مکاتب مختلف فلسفی در زمینه توسعه انسانی در پی ارائه چشم‌انداز مناسبی جهت تدوین یک نظام مطلوب ترویج کشاورزی در جهت توسعه منابع انسانی است.

فلسفه چیست؟

لفظ فلسفه از کلمه یونانی *philosophia* مشتق شده است که در لغت *philo* به معنای دوست داشتن و *Sophia* به معنای خرد و دانش به کار رفته است. خرد با طرز فکر و روش کار فرد سروکار دارد و دانش مربوط به معرفتها و اطلاعاتی است که فرد در سایه تفکر و یا از طریق دیگر کسب می‌کند. فلسفه در اصل فعالیتی است که توسط یک فیلسوف انجام می‌شود. فیلسوف کسی است که در صدد کشف اسرار طبیعت می‌باشد. فلسفه به معنای دوستدار دانایی است، پس خاستگاه فلسفه عشق و دوست داشتن و هدف آن دانش و معرفت است. فلسفه عبارت است از بررسی و شناخت تحلیل و انتقادی مسائل اساسی زندگی انسان به صورت یک کل و یا بخشی از آن در ارتباط یک کل، در حقیقت فلسفه مولد ذهن پرسشگر و فعال فیلسوف است (۲۴)

تعریف فلسفه صرفاً بر اساس معنی لغوی آن، نمی‌تواند علاقمندان به بررسی در این زمینه را قانع نماید و نیازمند تعریف کاملتری می‌باشد. در حقیقت فلسفه فراهم آوردن نظامی از اصول در جهت هدایت امور عملی است (۱۲)

فلسفه و علم

فلسفه از اقسام علم به معنای وسیع است. یعنی نوعی آگاهی از جهان است، اما این آگاهی به آگاهی که از طریق حس و تجربه به دست آید متفاوت است و به همین لحاظ در برابر علم به معنای دانستنیهایی که بر تجربه مستقیم حس می‌باشند قرار می‌گیرد. در حقیقت فلسفه به معنای علم‌شناسی علم است. فیزیک علمی است که از تحولات ماده و انرژی و روابط جرم، نیرو، سرعت و... سخن می‌گوید. واقعیتی که در فیزیک مورد تحقیق است طبیعتی خارجی است و دانشی که ما را با چهره خاصی از این واقعیت آشنا می‌سازد فیزیک است. پس از آنکه از طبیعت خارجی آگاهی‌هایی به دست آمد و دانش فیزیک متولد شد، حال خود این دانش به منزله یک موجود خارجی مورد مطالعه و کاوش قرار می‌گیرد. یعنی از چگونگی تولد و رشد علم فیزیک از ابزار و روش تحقیق در فیزیک، از نوع تئوریهای آن، از واقع‌نمایی آن، از تحولات آن و... سؤال می‌کند و به دنبال پاسخ می‌گردد. اینجاست که فلسفه علم فیزیک بوجود می‌آید. فلسفه علم فیزیک خود علمی است که در آن علم فیزیک، موضوع تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. فلسفه فیزیک و علم فیزیک دو دانش رقیب نیستند بلکه در طول هم می‌باشند (۲۳ و ۲۴)

وجه اشتراک مکاتب فلسفی

مردم ثروت واقعی هر کشوری هستند. این جمله در ابتدای گزارش توسعه سازمان ملل آمده است. این گزارش که از سال ۱۹۹۰ به بعد هر سال منتشر می‌شود، اکنون به مرجع تمام مطالعاتی تبدیل شده که قصد دارند میزان و جایگاه هر کشور در جهان را از نظر توسعه‌یافتگی نشان دهد. به منظور توسعه این منبع ارزشمند، اهمیت قائل شدن برای آموزش و پرورش از ضروریات می‌باشد. اصولاً فلسفه حاکم بر نظام آموزش و پرورش هر کشور بر مبنای مکاتب فلسفی و مبنای عقیدتی آن پایه‌گذاری می‌شود.

در بررسی مکاتب مختلف فلسفی می‌توان به این نتیجه دست یافت که مکاتب مختلف "آموختن" را مبنای دستیابی به توسعه منابع انسانی دانسته‌اند. هر یک با بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود سعی دارند که جهت تحقق دانایی بشر فعالیت نمایند، با بررسی منابع مختلف در زمینه برخی از مکاتب فلسفی سعی شده است به طور

مکاتب مختلف فلسفی به طور عمده بشر را به عنوان هدف اصلی فرآیند توسعه مدنظر داشته‌اند و عناصر دانستن، آگاهی و شناخت حقایق را نمودی برای تعالی وی در نظر گرفته‌اند.

فلسفه در اصل فعالیتی است که توسط یک فیلسوف انجام می‌شود. فیلسوف کسی است که در صدد کشف اسرار طبیعت می‌باشد. فلسفه به معنای دوستدار دانایی است، پس خاستگاه فلسفه عشق و دوست داشتن و هدف آن دانش و معرفت است.



خلاصه اجزاء مختلف آموزشی به منظور یک مقایسه تطبیقی در جدول شماره ۱ آورده شود.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، فلسفه مرتبط با ابعاد وجودی انسان و منابع کسب معرفت دارای تنوع می‌باشد. به عنوان مثال:

- اولویت دادن به ذهن و معنویات و کسب معرفت از طریق شناخت ذهنی از ویژگیهای مکتب ایده‌الیسم.
- اولویت دادن به واقعیات محسوس و کسب معرفت از طریق حواس و تجارب ذهنی از ویژگیهای مکتب رئالیسم.

- شکل‌گیری شخصیت از طریق تجربه کردن و کسب معرفت از طریق شناخت ذهنی از ویژگیهای مکتب یوگا.

- انسانی آزاد و انتخابگر و کسب معرفت از طریق ذهن و گفتار و عمل از ویژگیهای مکتب زرتشت.

- تقدم وجود بر ماهیت انسان و کسب معرفت از طریق خودشناسی خویش از ویژگیهای مکتب اگزیستانسیالیسم.

- اولویت دادن به طبیعت و کسب معرفت از طریق علوم طبیعی از ویژگیهای مکتب ناتورالیسم.

- دستیابی به کمال و آزادی و کسب معرفت از طریق انسان‌گرایی از ویژگیهای مکتب اومانیزم.

- سیر تکامل انسانی به سوی الله و کسب معرفت از طریق کتاب الهی و سنت از ویژگیهای مکتب اسلام. آنچه مشخص است این است که هر یک برای توسعه منابع انسانی شیوه‌ای را برگزیده‌اند. اما وجه مشترک تمام آنها تأکید بر آموختن می‌باشد، توسعه منابع انسانی در مکاتب مختلف به شرح زیر می‌باشد:

- کسب شناخت ذهنی در زمینه‌هایی مثل پرهیزکاری، کنترل نفس و... راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب ایده‌الیسم.

- کسب شناخت از دنیای واقعی راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب رئالیسم، پراگماتیسم و ناتورالیسم.

- کسب شناخت ذهنی در زمینه‌هایی نظیر درستکاری، تذهیب نفس و... راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب یوگا.

- دستیابی به سعادت از طریق نیکو کردن پندار، گفتار و عمل راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب زرتشت.

- خودشناسی به عنوان راهی برای خداشناسی راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب اگزیستانسیالیسم.

- آموختن از طریق تعامل با جامعه برای ارتقاء موقعیت انسانی راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب اومانیزم.

- برخوردار شدن از ویژگیهایی مثل ایمان به خدا، انبیاء و رستاخیز، انجام عمل صالح، طرفداری از عدل و وفای به عهد و... راه دستیابی به توسعه انسانی در مکتب اسلام.

فلسفه ترویج و توسعه انسانی

ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی، ارشادی و حمایتی دارای تعاریف متنوعی می‌باشد، ولی هدف نهایی این مکتب توسعه و تعالی بشر از طریق ملی کردن دانایی است. شوکلا (۱۳۷۰) لزوم مطالعه فلسفه ترویج را از جهات

ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی، ارشادی و حمایتی دارای تعاریف متنوعی می‌باشد، ولی هدف نهایی این مکتب توسعه و تعالی بشر از طریق ملی کردن دانایی است.



مکاتب مختلف آموختن را مبنای دستیابی به توسعه منابع انسانی دانسته‌اند. هر یک با بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود سعی دارند که جهت تحقق دانایی بشر فعالیت نمایند.

جدول شماره (۱) مکاتب مختلف فلسفی با رویکردی بر اجزای آموزشی و ترویجی									
مکاتب فلسفه	ایده‌الیسم	رئالیسم	پراگماتیسم	یوگا	زرتشت	اگزیستانسیالیسم	ناتورالیسم	اومانیزم	اسلام
فلسفه مرتبط با ابعاد وجودی انسان	اولویت دادن به ذهن و معنویات	اولویت دادن به حواس و تجارب حسی	شکل‌گیری شخصیت از طریق تجربه کردن	توجه به درون و رسیدن به آزادی	انتخابی اراد و انتخابگر	قدم وجود بر ماهیت انسان	اولویت دادن به طبیعت	رسیدن به کمال و آزادی	سیر تکامل انسان به سوی الله
منبع کسب معرفت	شناخت ذهنی	حواس و تجارب حسی	تعامل با محیط پدیده‌ها	شهود و شناخت ذهنی	ذهن و گفتار و عمل	خودشناسی انسان	علوم طبیعی	انسان‌گرایی	کتاب الهی و سنت
انتظار از آموزش	درک معرفت از طریق سؤال و جواب	درک معرفت از طریق تجربه کردن	درک معرفت از طریق سؤال و جواب	افزایش شناخت ذهنی	به فعالیت رسیدن بنابر تکلیف، گفتار، کردار و نیک	شناخت به هنگام انتخاب	استفاده از طبیعت در فرآیند یادگیری	خودکاوشی و خودانگیزی	یوایی (شناسی و حرکت)
محور آموزش	آموزشگر	عناصر درسی و مسائل محسوس	عناصر درسی و مسائل محسوس	روشن‌بینی یا تأکید بر فراگیر	تأمل، آموزشگر یا فراگیر	خود انسان باید به خودشناسی برسد	عناصر طبیعی و محسوس	ساز و مقام والای انسان	یوایی فرد در جهت حرکت به سمت کمال
نقش آموزشگر	کشف، هدایت، اطلاع‌رسانی، مطلع به اندیشه‌ها، توسط انتقال دانش	مشاهده، آزمایش، انتخاب موضوع درسی	تحقیق، راه‌مایی و سهیل فراگیری	تحقیق و دستیابی به یافته‌ها، منطقی بر درصدها	تحقیق و بررسی و هدایت فراگیران	کشف به فرد جهت خودشناسی	مشاهده طبیعت از طریق حواس و الگو فرار دادن آن برای فراگیر	ارائه تصویر جامع از انسان	سوی الله و ارائه تصویری کامل از انسان
نقش فراگیر	یادآوری و عمل به تدبیرات	تعمیر نرسنی برای توسعه سوره و مهارت	بر عهده‌گیری و فعالیتهای آموزشی و اجتماعی	تأکید بر ذهن و کسب ساخت ذهن و عمل آن	بنا بر در کسب معرفت، مهارت و گفتار	اندیشیدن به هستی خویش	الگو فرار دادن طبیعت و پیروی از آن	الگو فرار دادن انسان افعال	تلاش در جهت کسب معرفت الهی و حرکت به سوی مقصدی خاص
روش یادگیری و تدریس	سؤال و جواب، سخنرانی، خواندن	یادگیری تجربی، یادگیری علمی، تکالیف فردی مشاهده و آزمایش	یادگیری تجربی حل مسئله، تفکر انتقادی	خواندن، سؤال و جواب	مشاهده، آزمایش، یادگیری تجربی	روش‌شناختی از طریق سؤال و جواب و بررسی	کسب شناخت از طبیعت و دنیای واقعی از دانش و کسب تجربه پیروی از قانون طبیعت	تأمل با جامعه	تفکر منطقی، تحلیل و بررسی، تعهد و دستیابی به حق و حقیقت
توسعه انسانی از طریق	کسب شناخت ذهنی در رهنمایی مثل پرهیزکاری، کنترل نفس و...	کسب شناخت از دنیای واقعی	کسب تجربه از دنیای واقعی	کسب شناخت از طریق ذهن و عمل آن	دستیابی به سعادت از طریق نیکو کردن پندار، گفتار و کردار	خودشناسی به عنوان راهی برای توسعه انسانی	کسب شناخت از دنیای واقعی	آموختن از طریق تعامل با جامعه برای ارتقاء موقعیت انسانی	برخوردار شدن از ویژگیهای مثل ایمان به خدا، انبیاء و رستاخیز انجام عمل صالح، طرفداری از عدل و وفای به عهد و...

منابع: [آموزگار، ۱۳۹۸؛ شاهولی و آزادی، ۱۳۷۷؛ طباطبایی، بی‌تاریخ؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲].

زیر می‌داند.

- مطالعه فلسفه ترویج، درک برخی از مسائل و نکات مهم علم ترویج را ممکن می‌سازد.
- چنین مطالعه‌ای بررسی پیرامون عقاید جاری درباره ترویج را امکان‌پذیر می‌نماید.
- بون (۱۳۸۰) علت نیاز به فلسفه در فعالیتهای ترویجی را شامل موارد زیر می‌داند:
- فلسفه پارامترهای کاری را مشخص می‌کند و به کسانی که خود را محقق ترویجی می‌دانند این امکان را می‌دهد که تعیین نمایند که آیا یک برنامه، سازمان و یا رهیافت آموزشی با ترویج در ارتباط می‌باشد یا خیر.
- فلسفه منطقی بودن تجزیه و تحلیل، تشخیص و تصمیم‌گیری در خصوص یک اقدام را روشن می‌سازد و به مروجان کمک می‌کند ابهامانی را که در زمینه اهداف وجود دارد برطرف سازند و علت سوق دادن امکانات به سمت یک برنامه را مشخص می‌سازد.
- ارزشهایی که ما را به هم پیوسته است به حدی ذاتی است که احتمال دارد که از آنها آگاهی نداشته باشیم مگر اینکه این ارزشها توسط افرادی زیر سنوآل برود.
- یک فلسفه ما را بیشتر با ارزشهایمان آگاه می‌سازد.
- یک فلسفه به مروجان کمک می‌کند تا دنیا را تعریف کنند.
- یک فلسفه ماهیت علم، چگونگی به دست آمدن و انتقال آن را از نقطه نظر مروجان توصیف می‌کند.
- بخش ترویج دانشگاه جورجیا (CASE, 2004) فلسفه ترویج را شامل یک مجموعه از اصول و عقاید، اهداف و نظراتی در زمینه فعالیتهای ترویجی می‌دانند، که برای راهنمایی افرادی که در ترویج فعالیت می‌کنند کاربرد دارد. این بخش اصول پایه در زمینه فلسفه ترویج را شامل موارد زیر می‌داند:
- کارکنان ترویج به عنوان یک معلم می‌باشند.
- فعالیتهای ترویجی یک فعالیت آموزشی می‌باشند.
- کار ترویج بر اساس نیاز و علایق فردی است که برای آنها خدمت می‌کند.
- فعالیت آموزشی ترویج جهت هدایت تمام طبقات جامعه می‌باشد.
- کار ترویج بر اساس دموکراسی است.
- برنامه ترویج با مردم تدوین می‌شود نه برای مردم.
- توسعه منابع انسانی هدف نهایی برنامه‌های ترویجی است.
- کلایر (clair, 2004) متخصص توسعه اجتماعی از دانشگاه میسوری فلسفه ترویج را شامل اصول زیر می‌داند:
- ترویج کمک می‌کند به مردم جهت توسعه خود از طریق کاربرد منابع آموزشی بر اساس نیازها و علایق خود.
- ترویج کمک می‌کند به مردم که در صحنه جامعه، اقتصاد و مذهب تغییراتی را مدیریت نمایند.
- ترویج برنامه‌هایی را که بر اساس نیاز فراگیران باشد تدوین می‌نماید.
- ترویج به مردم کمک می‌نماید تا به عنوان یک آموزشگر مطرح شوند.
- ترویج قابل انعطاف و نوآور در رهیافتهای برنامه می‌باشد.
- ترویج یک رهیافت گروهی برای تدوین برنامه تا حل مسأله را به کار می‌برد.
- پلوار (۱۳۷۰) به نقل از (Kelsey and Hearne) ترویج را یک نظام آموزشی غیرکلاسیک دانسته که در آن بزرگسالان و خردسالان از طریق عمل اقدام به فراگیری می‌نمایند. در این فرآیند آموزشی هدف اساسی ترقی و تعالی مردم است. وی اهداف کلی ترویج را در ارتباط با موضوعات زیر بیان می‌نماید:
- بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق افزایش راندمان در امر تولید و بازاریابی و به کارگیری بهتر اعتبارات و سرمایه
- توسعه و رواج دادن فعالیتی مربوط به داشتن خانه‌هایی بهتر و زندگی مرفه‌تر برای کشاورزان
- توسعه نواحی روستایی
- توسعه جنبه‌های فکری، اجتماعی، فرهنگی و تفریحی مردم روستایی
- آگاه و هوشیار ساختن افراد نسبت به نقش کشاورزی و مردم روستایی در توسعه ملی
- گیل (۱۳۷۰) به نقل از (Leagans) تعریف کامل از ترویج بیان می‌کند: ترویج فرآیند آموزشی است که برای راهنمایی مردم روستایی در بهره‌مند شدن از زندگی بهتر، به گونه‌ای که مردم از طریق فراگیری شیوه‌های نوین بتوانند وضعیت مزرعه، خانه و اجتماع خود را بهبود بخشند.
- گیل (۱۳۷۰) نقش‌های ترویج را به صورت زیر خلاصه می‌کند:
- راهنمایی و آموزش مردم، تشویق مردم به مشارکت فعال، مردمی نمودن برنامه، بالا بردن توان تصمیم‌گیری مردم
- ایجاد انگیزه در مردم، بوجود آوردن تحولات با ثبات، پرورش توان رهبری محلی، توسعه احزاب و سازمانهای روستایی، تقویت حس اعتماد به نفس.
- سوهان (۱۳۷۰) نکاتی را در باب ماهیت فعالیتهای ترویجی بیان می‌نماید که عبارتند از:
- ترویج یک نظام آموزشی خارج از چهارچوب مدرسه و غیررسمی است که در آن بزرگسالان و جوانان جنبه‌های علمی امور را فرا می‌گیرند.
- هدف ترویج ایجاد دگرگونی در معلومات، مهارتها و گرایش افراد بشر است.



**ترویج فرآیند آموزشی است
که برای راهنمایی مردم
روستایی در بهره‌مند شدن از
زندگی بهتر، به گونه‌ای که
مردم از طریق فراگیری
شیوه‌های نوین بتوانند
وضعیت مزرعه، خانه و
اجتماع خود را بهبود بخشند.**





**فلسفه آموزشی ترویج، رفع
نیازهای اطلاعاتی، نظری و
عقیدتی و نیز افزایش مهارت‌های
افراد یک جامعه و تقویت توان
خدماتی آنان و تحقق بینش
انسانی و پدیداری زمینه مناسب
برای بروز خلاقیت‌های متفاوت
انسانی و نهایتاً استمرار در
حرکت تکاملی است.**

- کار ترویج بر اساس نیازهایی است که خود افراد احساس نموده‌اند.
- در کار ترویج این فرد است که تصمیم نهایی را در مورد پذیرش یا رد یک اندیشه و یا یک فعالیت می‌گیرد.
- از سوی دیگر مشارکت افراد در امور جنبه داوطلبانه دارد.
- ترویج خانواده را به عنوان یک واحد محسوب می‌کند.
- ترویج شامل آموزشهایی در جهت ایجاد آگاهی، علاقمندی و انگیزه برای پذیرش تکنولوژی جدید و تأمین رضامندی است.
- ترویج به کارگیری روش‌های مختلف آموزش را برای ایجاد دگرگونیهای سریع اساسی می‌داند.
- هدف ترویج بهبود جنبه‌های معنوی یا انسانی است. به عبارت دیگر در ترویج دست‌آوردهای فیزیکی یا مادی به تنهایی موردنظر نمی‌باشد.
- توانمندسازی افراد از جمله مواردی است که در بسیاری از مکاتب بر آن تأکید و اشاره شده است. در همین رابطه گفته شده است که فلسفه آموزشی ترویج، رفع نیازهای اطلاعاتی، نظری و عقیدتی و نیز افزایش مهارت‌های افراد یک جامعه و تقویت توان خدماتی آنان و تحقق بینش انسانی و پدیداری زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی و نهایتاً استمرار در حرکت تکاملی است.
- در حقیقت اساس ترویج دستیابی به تحول، بهسازی و توسعه است و فلسفه ترویج بر تکامل فرد به عنوان واحد عملیات آموزش و پرورش است (۱۱).
- سینا (۱۳۷۰) هدف نهایی ترویج را رضامندی افرادی می‌داند که از طریق فعالیت‌های مشترک مروجین و مردم به دست می‌آید. چنین فعالیتی می‌بایستی که از هر جهت در حد کمال باشد. برای تحقق این موضوع ضروری است که هر گونه فعالیت آموزشی ترویج، در همه ابعاد به مردم شناسانده شود. در انجام برنامه‌های آموزشی، بهتر است همیشه با یک یا چند موضوع محدود شروع و با رضایت کامل مردم آن فعالیت را به انجام رساند. رضامندی در یک مورد موجب افزایش سرعت پذیرش نوآوری‌های دیگر توسط مردم خواهد شد.

مقایسه تطبیقی مکاتب فلسفی و مکتب ترویج از بعد توسعه انسانی

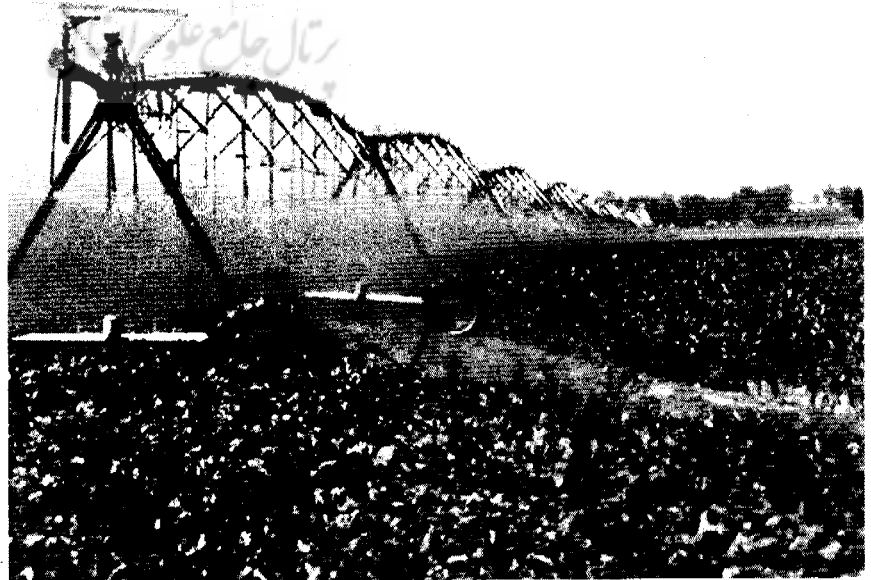
به منظور بررسی تطبیقی مکاتب فلسفی و مکتب ترویج، وجه مشترک تعدادی از این مکاتب با مکتب ترویج مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه بیان می‌شود:

مکتب فلسفی ایده‌آلیسم و ترویج

ایده‌آلیسم از قدیمیترین مکاتب فلسفی است که ریشه در تعلیمات سقراط و افلاطون دارد. از نظر این مکتب معرفت انسانی به طور مستقیم در ذهن انسان وجود دارد. آنچه که انسان از راه حواس می‌بیند و کسب می‌کند ممکن است با واقعیت و غایت موضوع متفاوت باشد، لذا عقل انسان نسبت به ماده یا موضوع مقدم است. از نظر این مکتب توسعه انسان با هدف‌نمایی زندگی ارتباط مستقیم دارد و آن عبارت است از توسعه انسان طبیعی به صورتی انسان آزاد و عامل به اخلاق و تبدیل او به انسانی ایده‌آل به همان صورتی که در چارچوب ذهن معین شده است. هدف این مکتب برای پرورش انسان به طور خاص شامل، حفظ سلامت، رشد شخصیت فردی، گسترش عدالت اجتماعی، مهارت، هنر، عشق، معرفت فلسفی و دینی است. به منظور مشخص شدن نکات مشترک مکتب ایده‌آلیسم و مکتب ترویج خصوصیات آنی که در مکتب ایده‌آلیسم وجود دارد که در ترویج نیز قابل کاربرد است در ادامه



**رنالیسم اعتقاد دارد که نظم
طبیعی حیات انسان وقتی
مشخص می‌گردد که تمام
فعالیت‌های او بوسیله هدفی که به
طور عقلانی درک می‌شود
راهنمایی گردد.**



برشمرده می‌شود:

تأکید به خودشناسی فرد، تأکید بر توسعه شخصیت افراد، تأکید بر روش فکر کردن، تأکید بر حفظ فرهنگها و هنجارها بهره‌گیری از آموزشهای انفرادی در فعالیتهای آموزشی، تأکید بر تفکر در فرآیند یادگیری.

مکتب فلسفی رئالیسم و ترویج

طرفداران مکتب رئالیسم معتقدند که اشیاء مستقل از عقل و یا ذهن انسان وجود دارند و باید اشیاء را آنچنان که هست پذیرفت و بر روی آنچه عینی و قابل درک به وسیله حواس می‌باشد، تأکید کرد. به طور خلاصه رئالیسم اعتقاد دارد که نظم طبیعی حیات انسان وقتی مشخص می‌گردد که تمام فعالیتهای او بوسیله هدفی که به طور عقلانی درک می‌شود راهنمایی گردد. وقتی عقل این حقیقت را که انسان زیستن چنین حیاتی را دارد آشکار ساخت آنگاه گواهی می‌دهد که فعالیت دادن یا تحقق این استعداد تنها هدف صحیح برای زندگی واقعی انسان می‌باشد (۱، ۵ و ۲۳). مواردی که در مکتب فلسفی رئالیسم وجود داشته که قابل کاربرد در مکتب ترویج می‌باشند به شرح زیر است (۵):

تأکید بر بعد عملی آموزش، توسعه شخصیتی و اخلاقی، مهارتهای فنی، خودانکابی، درک بهتر از جهان و کنترل جهان، ارائه دانش ضروری و پایه، تأکید بر مشاهده، تجربه و آزمون و روش سخنرانی کسب شناخت از دنیای واقعی، تأکید بر ایجاد فرصت یادگیری فعال برای فراگیران، تأکید بر حل مسأله در محیط واقعی بر اساس بررسی و تحلیل.

به طور کلی در رئالیسم بر شناخت واقعیات محسوس تأکید می‌شود، برای آموزش و پرورش از دیدگاه رئالیسم باید به نکات زیر توجه کرد (۲۳):

- اعتماد به بررسی و بحث علمی و تفکر منطقی بیشتر از اعتقاد به تجربه علمی در فلسفه آموزش و پرورش
- گنجانیدن مواد مربوط به علوم طبیعی به جای مواد ادبی محض در برنامه‌های آموزشی

مکتب فلسفی پراگماتیسم و ترویج

اساس پراگماتیسم بر این است که هر چیزی که نتیجه بدهد خوب است. اهمیت نتیجه و ثمره کار برای پراگماتیسم خیلی مهم است. اساس این مکتب معرفت انسان از راه تجربه کسب می‌شود و تجربه اساس جهان بینی و جهان شناسی پراگماتیسم است. آنچه واقعیت دارد تجربه است و از طریق تجربه است که ما جهان را می‌شناسیم یعنی یک تجربه و دیدگاهی داریم که باعث می‌شود دنیا را بر آن مبنا بشناسیم. مهمترین وجه مشترک مکتب فلسفه پراگماتیسم و ترویج عبارتند از: (۵ و ۲۳)

در نظر گرفتن ابعاد روانی و اجتماعی در فرآیند آموزش، رشد انسان در نتیجه بالا رفتن تواناییها، کنترل و راهنماییها تجربیات شخصی و اجتماعی، شکل دادن بینشها درست فکری و اخلاقی برای حل مسائل، یادگیری برای مقابله یا تغییرات محیطی، فراگیری اکتشافی، بهره‌گیری از رهیافتهای عمل مدار و فعالیت مدار، آموزش اکتشافی و تجربی.

مکتب اگزیستانسیالیسم و ترویج

انسان در این اندیشه موجودی است که باید به هستی خود بیاندیشد و بکوشد تا خود را به بودن واقعی برساند. بر اساس این مکتب خودشناسی انسان اولین قدم در راه رسیدن او به کمال است، وجه مشترک این مکتب با ترویج به شرح زیر است:

توانمندسازی افراد در امر تصمیم‌گیری، تأکید بر خودشناسی فرد از ابعاد مختلف، توانایی شناخت وضعیت موجود و بررسی و تحلیل مسائل، انسان موجودی است دارای توانایی انتخاب که با سعی و تلاش خود انتخاب می‌کند، موجودی است که هم با خود مرتبط است و هم با دیگران، انسان باید خود آینده را بسازد، انسان باید نسبت به خود احساس مسئولیت نماید (۵ و ۹).

مکتب اسلام و ترویج

اسلام با پویا کردن فرآیند آموختن، انسان را در سیر تکاملی به سوی الله هدایت می‌کند. در این مکتب تلاش در جهت کسب معرفت الهی و حرکت به سوی مقصدی خاص است. تفکر منطقی، تحلیل و بررسی و دستیابی به حق و حقیقت از نکات مهم و اساسی در این مکتب است. برخوردار شدن از ویژگیهایی نظیر، عدالت‌خواهی، وفای به عهد، ایمان به خداوند یگانه، انبیاء و روز رستاخیز و... مبرری برای توسعه انسانی است. مهمترین وجوه مشترک عبارتند از (۵، ۹ و ۱۰):

در نظر گرفتن نیازهای اساسی بشر، توجه به جامعه و رشد فردی و شخصیتی، محو فقر و بی‌عدالتی، گسترش حق و حقیقت، توسعه و تکامل بشر.

نتیجه مقایسه تطبیقی

با توجه به مطالب بیان شده در مکاتب مختلف فلسفی، هدف اساسی، توسعه منابع انسانی می‌باشد. اما نکته قابل ذکر این است که هر یک از مکاتب جهت دستیابی به توسعه انسانی طرق مختلفی را انتخاب نموده‌اند. اما



اسلام با پویا کردن فرآیند آموختن، انسان را در سیر تکاملی به سوی الله هدایت می‌کند. در این مکتب تلاش در جهت کسب معرفت الهی و حرکت به سوی مقصدی خاص است.



در فرآیند توسعه پایدار بر بهره‌گیری مطلوب از عناصر به گونه‌ای که حداقل تخریب عناصر زیست محیطی را به دنبال داشته و در انتقال میراث طبیعی سالم به نسل آینده نقش مؤثری دارا بوده در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و زیست محیطی تأکید می‌شود.

نکته مشترک آنها در این رابطه آموختن است (۱۰). همانگونه که بیان شد فلسفه ترویج نیز بر آموزش افراد تأکید دارد و وجه مشترک ترویج با مکاتب فلسفی نیز آموزشی بودن ترویج است. به عبارت دیگر ترویج وجه اشتراک تمامی مکاتب فلسفی بحث شده برای توسعه انسانی است. یعنی چون ترویج برای آموختن و یادگیری به وجود آمده، می‌تواند راهی برای تحقق فلسفه تمامی مکاتب فوق باشد.



ویژگیهای موردنیاز مکتب ترویج برای تحقق توسعه انسانی مدنظر مکاتب فلسفی

به منظور دستیابی به ویژگیهای موردنیاز ترویج جهت تحقق توسعه منابع انسانی موردنیاز در مکاتب مختلف فلسفی، خصوصیات این مکتب را از بعد ۷ رکن مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این قسمت هدف ارائه ویژگیهای یک نظام مطلوب ترویج کشاورزی جهت تحقق توسعه انسانی است.

رکن اول: اهداف نظام ترویج

به منظور تحقق توسعه انسانی پایوار (۱۳۷۰) اهداف ترویج را به شکل زیر تقسیم‌بندی می‌نماید:

- هدفهای آموزشی ترویج: ۱- تغییر در سطح دانش افراد و دگرگونی در میزان معلومات ۲- تغییر در سطح مهارت افراد و ۳- تغییر در سطح ایستارها و نگرشها

- هدفهای اجتماعی و فرهنگی ترویج: ۱- ایجاد روحیه تعاون و همکاری ۲- توسعه عمران اجتماعی ۳- پرورش استعدادها و رهبری ۴- بهبود وضعیت سلامت فردی و اجتماعی ۵- آراستگی فردی ۶- بهبود وضعیت زندگی

- هدفهای اقتصادی ترویج: ۱- بهبود سطح درآمد ۲- بهبود بازده محصولات ۳- بهبود محصولات ۴- مدیریت مالی بهتر

در گذشته هدف کلی ترویج بیشتر جهت افزایش تولید بوده یعنی تنها کارایی مدنظر قرار می‌گرفت. پس از گذشت زمان بهبود همزمان کارایی و اثربخشی روند تولید به عنوان هدف کلی ترویج مطرح شد. زیرا این اعتقاد به وجود آمد که پیشرفت تولید نباید تنها عامل بهبود وضعیت کلی بشر به حساب آید. تأثیرات مخرب کاربرد عناصر مضر در چرخه طبیعی منجر به پیدایش واژه تحت عنوان توسعه پایدار به عنوان هدف کلی ترویج شده، توسعه پایدار دربرگیرنده ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی است. در فرآیند توسعه پایدار بر بهره‌گیری مطلوب از عناصر به گونه‌ای که حداقل تخریب عناصر زیست محیطی را به دنبال داشته و در انتقال میراث طبیعی سالم به نسل آینده نقش مؤثری دارا بوده در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و زیست محیطی تأکید می‌شود (۱۵).

رکن دوم: گروههای هدف و مخاطبین

خانواده واحد بنیادین هر جامعه است. تمام اعضای خانواده با مشارکت در امور می‌باید به طور یکنواخت رشد پیدا کنند و از این جهت لازم است که برنامه‌های ترویج همه افراد خانواده را به طور کامل دربرگیرد. این مهم عمدتاً به لحاظ دلایل زیر است (۷):

- برنامه‌های ترویج موجبات پیوند جنبه‌های مختلف زندگی از قبیل جنبه‌های اقتصادی و فرهنگ را فراهم می‌آورد.

تمام رهیافتهای ترویجی را می‌توان در دو مقوله، شامل رهیافتهای مبتنی بر فناوری تولید و رهیافتهای حل مسأله جای داد. رهیافتهای مبتنی بر فناوری تولید، بر هدفهای تولید بیش از ارباب رجوع تأکید دارند. فناوریهای مورد استفاده در این رهیافتهای بیشتر به مسائل تولیدی توجه دارند تا به مشکلات ارباب رجوع.



- ترویج موجبات افزایش سطح اطلاعات تمام اعضای خانواده مردان، و جوانان می‌شود.
- ترویج به مدیریت امور مالی خانواده کمک می‌کند.
- ترویج موجبات درک متقابل را فراهم می‌آورد.
- برنامه‌های ترویج بر روی همه افراد خانواده اثر می‌گذارد.

کریستا وائو و همکاران (Cristovao et al, 1997) برنامه‌ریزی مشارکتی در فعالیتهای ترویجی را به عنوان یکی از اصول اساسی جهت توجه به گروههای هدف در فرآیند برنامه‌ریزی می‌داند. در این فرآیند گروههای هدف به عنوان عاملان اصلی در فرآیند تولید مدنظر قرار گرفته و کلیه برنامه‌ها به منظور بهبود آنها در تمام زمینه‌ها باید صورت پذیرد.

رکن سوم، محتوا و عرصه فعالیتها محتوای برنامه‌های ترویجی باید جوابگوی نیازهای فراگیران باشد. به طور کلی در هر منطقه متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی نیازهای منحصر به فردی وجود دارد. بهره‌گیری از روشهای مشارکتی در تدوین نیازهای اساسی بهره‌برداران از جمله راهبردهای موفق در فرآیند تدوین برنامه‌های آموزشی و ترویجی است.

دانستان و همکاران (Dunstan et al, 1997) تعیین محتوای برنامه‌های ترویجی را بر اساس معیارهای زیر بیان می‌نماید: انجام‌پذیری اقتصادی، پذیرش اجتماعی و پایداری و امنیت زیست محیطی آلبرشت و همکاران (Albrecht et al, 1989) با عطف توجه به تناسب محتوای مورد استفاده در رهیافتهای مختلف، نوعی گونه‌شناسی مفید ارائه داده است. به نظر او و همکارانش، تمام رهیافتهای ترویجی را می‌توان در دو مقوله، شامل رهیافتهای مبتنی بر فناوری تولید و رهیافتهای حل مسأله جای داد. رهیافتهای مبتنی بر فناوری تولید، بر هدفهای تولید بیش از ارباب رجوع تأکید دارند. فناوریهای مورد استفاده در این رهیافتهای بیشتر به مسائل تولیدی توجه دارند تا به مشکلات ارباب رجوع. کشاورزان کوچک و خرده‌پا به دلیل فقر و محرومیت و اوضاع نامساعدی که دارند، چندان سودی از رهگذر این رهیافتهای عایدشان نمی‌شود. رهیافتهای معطوف به کالا و مبتنی بر فن‌آوری را می‌توان از جمله رهیافتهای حوزه فن‌آوری تولید به شمار آورد.

در رهیافتهای حل مسأله، ارباب رجوع در شناسایی و تعیین مشکل مبتلا به خود، مشارکت دارند. در این رهیافتهای اگرچه اطلاعات فنی و اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند لیکن به ملاحظات و مسائل اجتماعی - اقتصادی ارباب رجوع، بهای بیشتری داده می‌شود. این رهیافتهای شانس کشاورزان برای بهره‌مندی از یک محتوای مناسب و مساعدتر به حال آنان را افزایش می‌دهد. رهیافتهای توسعه اجتماعی توأم با ترویج^۱ و رهیافتهای مشارکتی در زمره رهیافتهای حل مسأله قرار می‌گیرند.

رکن چهارم: برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیتهای ترویجی

اعمال مدیریت کارآمد بر نیروی انسانی در برنامه‌های ترویجی یکی از مهارتهایی است که نیاز به برنامه‌ریزی و بهسازی مداوم دارد. مدیر برنامه ترویج به شخص گفته می‌شود که رسماً مسئولیت برنامه‌های ترویجی را در سطح سازمان یا بخش بر عهده دارد. (Mintzberg, 1988) والدرون (Waldron, 1994) وظایف مدیریت که بر پایه یک فلسفه و رهیافت عمومی قرار دارند را عمدتاً شامل موارد زیر می‌داند:

- تعیین مأموریت، خط‌مشی و اهداف شفاف برای تشکیلات



در نظر گرفتن ارکان نظام مطلوب ترویج کشاورزی یعنی اهداف، گروههای هدف، محتوا، برنامه‌ریزی، مدیریت، عاملان اجرایی، فرآیندها و عوامل پیرامونی در یک مکتب شناختی با دیدی واقع‌گرایانه وجه مشترک مکاتب فلسفی با مکاتب ترویج را آشکارتر می‌نماید.



برنامه‌ریزی فرآیند فعالیتهای ترویجی باید دربرگیرنده مشارکت عمومی مخاطبین باشد. بر این اساس، مشارکت به فرآیندی برای درگیر ساختن فراگیران در تفکر و عمل، قدرتمند ساختن آنان، درگیر کردن فعالانه آنان در تمام تصمیم‌گیریهای برنامه و مجاز بودن مردم به دسترسی و کنترل بر منابع و نهادهای تبدیل می‌شود.





- استقرار ساختار سازمانی رسمی و غیررسمی به منظور تفویض اختیار و تقسیم مسئولیتها
- اولویت‌بندی، اصلاح و بازنگری اهداف بر حسب نیازها و تقاضاها
- حفظ ارتباطات اثربخش در گروه‌های کاری و نیز با سایر گروه‌ها و با جامعه بزرگتر
- گزینش، انگیزش، آموزش و ارزیابی نیروی انسانی



در رهیافتهای حل مسأله، ارباب رجوع در شناسایی و تعیین مشکل مبتلا به خود، مشارکت دارند. در این رهیافتهای اگرچه اطلاعات فنی و اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند لیکن به ملاحظات و مسائل اجتماعی - اقتصادی ارباب رجوع، بهای بیشتری داده می‌شود.

- تأمین اعتبار، بودجه‌بندی و ارزشیابی میزان پیشرفت کار
 - پاسخگویی در مقابل کارکنان، رده‌های بالاتر و جامعه خارج از سازمان
 برنامه‌ریزی فرآیند فعالیت‌های ترویجی باید دربرگیرنده مشارکت عمومی مخاطبین باشد. بر این اساس، مشارکت به فرآیندی برای درگیر ساختن فراگیران در تفکر و عمل، قدرتمند ساختن آنان، درگیر کردن فعالانه آنان در تمام تصمیم‌گیریهایی برنامه و مجاز بودن مردم به دسترسی و کنترل بر منابع و نهادهای تبدیل می‌شود. (Cristovao et al, 1997)
 رکن پنجم: عاملین اجرایی
 عاملین اجرایی در فعالیتهای ترویجی نقش مهمی در دستیابی به هدف نهایی ترویج دارند. این افراد باید دارای اعتقاد راسخ نسبت به حرفه خود بوده و توانایی لازم جهت فعالیت در مناطق روستایی را دارا باشد. شهبازی (۱۳۷۲) نقش‌های عاملان ترویج را به شرح زیر بیان می‌کند:
 - مروج به عنوان روشنگر، مروج به عنوان انگیزشگر، مروج به عنوان آموزشگر، مروج به عنوان تحول‌گر و مروج به عنوان پژوهشگر جامع‌نگر و همچنین می‌توان نقش تسهیل‌گر را نیز به عنوان یکی دیگر از نقش‌های مروج بیان نمود.

رکن ششم: فرآیند و نشر تکنولوژی

نقش و رسالت ترویج در عرصه اشاعه نوآوری این ضرورت را ایجاب می‌کند که جهت تحقق مؤثر و مطلوب این مسئولیت و رسالت، مناسبترین فرآیند و مؤثرترین تکنولوژی مورد بهره‌گیری و استفاده قرار گیرد. به گونه‌ای که در این عرصه مواردی از قبیل ارتباط مؤثر بین ترویج، تحقیقات و آموزش، تعیین نیازها، مسئله‌یابی و مشکل‌گشایی کشاورزان، ارتباط دو سویه ترویج و کشاورزان، روش‌های آموزشی مؤثر، شیوه نشر نوآوری، پذیرش و تثبیت نوآوری، به کارگیری فن‌آوری‌های نوین، مناسب و سازگار مدنظر و توجه دقیق قرار گیرد. به طور کلی نشر تکنولوژی مناسب در بین بهره‌برداران دستیابی به چهارچوب هدف اساسی زیر را پیگیری می‌نماید:

- افزایش توان مدیریت و کارایی مولدان روستایی
- افزایش کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی شاغل در بخش روستایی
- افزایش کیفیت عملکردهای تولید در روستا
- افزایش کمیت عملکردهای تولید بر حسب هر واحد عملیاتی (۱۱)

رکن هفتم: عوامل پیرامونی مؤثر بر نظام

در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عوامل و موارد متعددی را می‌توان یافت که بر نظام یک کشور تأثیرگذار می‌باشد. در نظر گرفتن این عوامل می‌تواند نقش مؤثری در کارایی نظام ترویج داشته باشد. عوامل تولید کافی، تضمین خرید محصولات کشاورزی، قیمت‌گذاری مناسب محصولات کشاورزی، وجود امکانات و اعتبارات موردنیاز، در دسترس بودن نهادهای، توافق افراد ذینفع با برنامه‌ها، دخالت مردم در فرآیند برنامه‌ها، در نظر گرفتن دانش بومی و تجربیات بهره‌برداران، توان علمی عاملان ترویجی و بهبود مهارتهای آنان و... از جمله عواملی می‌باشند که می‌توانند نقش مؤثری در بهبود فعالیتهای ترویجی داشته باشد (۱۰)

نتیجه‌گیری

مکاتب مختلف فلسفی به منظور رشد و تعالی بشر روشهای متنوعی را برگزیده‌اند. در این گذرگاه تاریخی با بررسی متون مختلف فلسفی می‌توان به این عقیده دست یافت که در تمامی مکاتب دانستن و شناخت واقعیات به عنوان یکی از ارکان رشد و تعالی بشر در نظر گرفته شده است. مکتب ترویج نیز که به منظور توسعه دانایی بشر پا به عرصه وجود گذارده دانستن و شناختن و دستیابی به حقیقت و واقعیت را از جمله ابزارهای خود برای تعالی بشر می‌داند. این وجه اشتراک بین مکاتب فلسفی و مکتب شناختی ترویج راه را برای تدوین ارکان مناسب فعالیتهای ترویجی فراهم می‌نماید. در نظر گرفتن ارکان نظام مطلوب ترویج کشاورزی یعنی اهداف، گروههای هدف، محتوا، برنامه‌ریزی، مدیریت، عاملان اجرایی، فرآیندها و عوامل پیرامونی در یک مکتب شناختی با دیدی واقع‌گرایانه وجه مشترک مکاتب فلسفی با مکاتب ترویج را آشکارتر می‌نماید. احتمالاً فلسفه مکتب ترویج را از نگاه مکاتب فلسفی در موارد ذیل مطرح نمود:

توانمندسازی افراد و جامعه، توجه مؤکد به نیازها و منابع محلی، محول کردن مسئولیت‌ها به مردم بر اساس امکانات و شرایط موجود، ترویج فرآیندی مستمر و مداوم است که بر پایه عقلگرایی و خردورزی عمل می‌کند، شناخت فرد با تمام استعدادها، خواسته‌ها و نیازها، شناخت جامعه به عنوان مجموعه‌ای از افراد با تمام ویژگیهای اجتماعی آنان، شناسایی منابع بالفعل و بالقوه اعضای جامعه، تأکید بر پایداری در تمام ابعاد، تولید بر اساس واقعیات

موجود، ترویج مکتب شناخت انسانها و انسان‌سازی است، هدفمند بودن فرآیندهای ترویجی، ارائه راهکارهای مناسب بر اساس واقعیات، استفاده مطلوب از فرصتهای موجود بیشتر اهداف ترویجی، تأکید بر استقلال و خودمختاری افراد، نهادینه‌سازی مشارکت و توجه به حقایق.

منابع

- ۱- آموزگار، ح. (۱۳۷۹). فلسفه و مکتبهای تربیتی، انتشارات علامه طباطبایی.
- ۲- بون، ۱. (۱۳۸۰). مبانی فلسفی ترویج. بنیان‌ها و تحول فعالیتها در ترویج کشاورزی (گردآورنده: دونالدلیکیرن و مترجم: جمال فرج‌الله حسینی). تهران: انتشارات دانشگاه علوم و تحقیقات.
- ۳- پاوار، اس. (۱۳۸۰). هدفهای ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده) اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- ۴- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲). فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سمت
- ۵- حسینی، ج. (۱۳۸۳). جزوه درسی: تحلیل پیشنهادی فلسفی ترویج. دوره دکترای ترویج و آموزش کشاورزی. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- ۶- سوهان، تی. اس. (۱۳۷۰). مفهوم و ماهیت آموزش و ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده). اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران
- ۷- سندو، ۱. اس. (۱۳۷۰). اصول ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده). اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران
- ۸- سینا، پی. ا. پی. (۱۳۷۰). روانشناسی ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده) اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران
- ۹- شاه‌ولی، م و آزادی، ح. (۱۳۷۷). واکاوی مکاتب فلسفی برای تبیین توسعه انسانی، فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۴.
- ۱۰- شاه‌ولی، م و منفرد، ن. (۱۳۸۰). واکاوی فلسفی ترویج برای تبیین توسعه انسانی، ماهنامه علمی جهاد شماره ۴۳-۲۴۲.
- ۱۱- شهبازی، ۱. (۱۳۷۲). توسعه و ترویج روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- شوکلا، ۱. ان. (۱۳۷۰). فلسفه ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج. (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده) اهواز: انتشارات دانشگاه اهواز
- ۱۳- طباطبایی، م. (بی‌تاریخ). اصول فلسفه و روش رئالیسم. قم: انتشارات صدرا
- ۱۴- گیل، ج. اس. (۱۳۷۰). نقش آموزش ترویج. مقدمه‌ای بر آموزش ترویج (گردآورنده: گراول و نامبر و مترجم: سیروس سلمانزاده)، اهواز: انتشارات دانشگاه اهواز
- ۱۵- عمانی، ۱. (۱۳۸۰). تعیین ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و زراعی گندمکاران پیرامون پذیرش کشاورزی پایدار کم‌نهاد. (LISA) پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

- 16- Albercht, H., Bergman, H., Diedrich, G., Grober, E., Hoffman, V. (1989). Agricultural extension. Vol I: Basic concepts and methods. GTZ Eschborn.
- 17- CASE (2004). Extensions Philosophy. Online <http://extension.case.uga.edu/training/lesson1/lesson1-p8.html>.
- 18- Clair, c. (2004). The History and philosophy of Extension. On line <http://outreach.missouri.edu/extcouncil/impacts/9.htm>.
- 19- Cristovao, A., Koehnen, T. & portela, T. (1977). Developing and Delivering Extension programmes. In B. E. Swanson et al (Ed). Improving Agricultural Extension: Areference manual. Rome: FAO.
- 20- Dunstan, A. Campbell and Clair, B. (1997). Selecting Appropriate content and methods in programe Delivery. In B. E. Swanson et al (Ed). Improving Agricultural Extension: Arefrence manual. Rome: FAO.
- 21- Mintzberg, H. (1988). The nature of managerial. New York: Harper & Row.
- 22- Waldron, M.W. (1994). Management and Supervision. In D. Blacburn (Fd). Extension handbook: processes and practices toronto: Thompson Educational publishing.
- 23- <http://www.Sobhanian.Com/artpan1.Htm>.
- 24- <http://www.Persianblog.com>.

پی نوشت:

- 1- Community development-cum-extension